

نقش شایستگی های کار آفرینانه در پیش بینی گرایش راه اندازی کسب و کارهای کوچک در بین دانشجویان ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه بوعلی سینا

وحید علی ابادی^۱، سعید غلامرضایی^۲، سمیره صی محمدی^۳

۱- دانشجوی دکتری ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه بوعلی سینا

۲- استادیار گروه توسعه روستایی دانشگاه لرستان

۳- دانشجوی دکتری توسعه کشاورزی دانشگاه رازی کرمانشاه

چکیده

با توجه به اهمیت بنگاه های کوچک و متوسط و نقش بی بدیل آن ها در توسعه ی اقتصادی، بسیاری از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، ایجاد و حمایت از این بنگاه ها را یکی از اولویت های اساسی خود قرار داده اند. برای پیدایش فعالیت های کارآفرینانه، وجود زمینه ها و شایستگی های مناسب ضروری هستند. این تحقیق با هدف اصلی بررسی و شناسایی متغیرهای موثر بر گرایش به راه اندازی بنگاه های کوچک و متوسط (SMEs) با تمرکز بر شایستگی های کارآفرینانه مورد نیاز دانشجویان انجام شد. جامعه آماری تحقیق شامل ۱۹۸ تن از دانشجویان ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه بوعلی سینا همدان بود، که با استفاده از جدول پتن، ۱۶۴ تن از آنان به روش نمونه گیری سهمیه ای انجام شد. ابزار اصلی تحقیق پرسشنامه بود، پایایی پرسشنامه با محاسبه ی ضریب آلفای ترتیبی به کمک نرم افزار R ($\alpha=0.88$) محاسبه شد. گردآوری شده با نرم افزارهای SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. با استفاده از رگرسیون لجستیک مشخص شد ۲۶ درصد از تغییرات گرایش به راه اندازی کسب و کارهای کوچک و متوسط را تبیین می کند مهم ترین متغیر اثرگذار بر گرایش دانشجویان به راه اندازی بنگاه های کوچک و متوسط، شایستگی های راهبردی است. نتایج آزمون من ویت نی برای بررسی تاثیر جنس بر شایستگی های کارآفرینانه نشان داد که تفاوت معناداری بین دانشجویان دختر و پسر در شایستگی فرصت جویانه، شایستگی ارتباطی و شایستگی ذهنی وجود دارد و تنها ۱۷ درصد از دانشجویان دارای گرایش بالا در راه اندازی کسب و کارهای کوچک می باشند.

نمایه واژگان: گرایش کارآفرینی، شایستگی کارآفرینی، بنگاه های کوچک، شایستگی ارتباطی

نویسنده ی مسئول: سعید غلامرضایی

رایانامه: sgholamrezai@gmail.com

دریافت: ۹۵/۹/۲ پذیرش: ۹۶/۶/۱۳

مقدمه

کشاورزی از بخش های پایه و بنیادی اقتصاد روستا و زمینه ساز رشد و توسعه پایدار کشور است. رشد و توسعه بخش کشاورزی، زمینه های لازم برای رشد و توسعه دیگر بخش ها را فراهم می سازد. نتیجه ی بررسی ها مختلف نشان داده که از جمله راه کارهای مهم توسعه اقتصادی، چه در شهرها و چه در روستاها، ایجاد اشتغال و مهم ترین سازوکار و ابزار آن، کارآفرینی است (احمد، ۲۰۰۷). کارآفرینی باعث کاهش بی کاری، افزایش بهره وری افراد، منبع ها و افزایش درآمد مردم در جامعه می شود. اگرچه کارآفرینی تنها راه کار اشتغال زایی و افزایش درآمد نیست اما حتمی یکی از بهترین راه هاست. چنانکه امروزه، نقش کارآفرینی به عنوان موتور توسعه اقتصادی به طور گسترده ای در بسیاری از کشورها از جمله ایران به رسمیت شناخته شده است (نیک رفتار، ۲۰۱۱ کریمی و همکاران، ۲۰۱۲). بی کاری جوانان و دانش آموختگان دانشگاهی یک چالش جهانی رو به رشد است. از این رو، ارایه رویکردی جدید از اشتغال و گذر از کارایی به کارآفرینی، یکی از اصلی ترین راهکارهای رویارویی با چالش بیکاری بوده و این موضوع، به ویژه برای دانشجویان کشاورزی که در مقایسه با افراد بدون تحصیلات دانشگاهی که به دنبال خود اشتغالی هستند، بسیار اهمیت دارد (زامپتاکیس و همکاران، ۲۰۰۹؛ کری شنان، ۲۰۱۳). در جهان امروز، کارآفرینی و ایجاد شغل های نوین از جمله بنگاه های زود بازده، شغل های خانگی برای ادامه حیات و پویایی اقتصاد کشورها بسیار ضروری می باشد (دهلسترند، ۲۰۰۷؛ سارنکتو و همکاران، ۲۰۰۹). یکی از دشواری های پایه ای کشور در چند دهه ی اخیر، بی کاری دانش آموختگان کشاورزی است (کریمی، ۲۰۱۴). اهمیت دوچندان مفهوم کارآفرینی و ایجاد کسب و کار زود بازده، به عنوان یک هدف گسترده و فراگیر به دلیل وجود بحران بی کاری است، این مسأله در کشور ما با شرایط حادثی روبه رو است.

برپایه ی آمار، سالانه ۲۷۰ هزار دانش آموخته دانشگاهی وارد بازار کار می شوند، اما ظرفیت بازار تامین کننده ی کار برای این شمارجویای کار نیست (علی بیگی و علی آبادی، ۱۳۹۱). مسأله زمانی است که بدانیم، نرخ بی کاری در بین ۱۴۷ هزار دانش آموخته ی دانشگاهی کشاورزی ۲۸

درصد گزارش شده که دو برابر نرخ بی کاری در بین دیگر گروه های بی کارو بالاترین نرخ بی کاری در بین کل دانش آموختگان دانشگاهی است (میرک زاده و علی آبادی، ۱۳۹۱). معضل بیکاری به عنوان یکی از عامل های مهم آسیب های اجتماعی ایران از دو دهه گذشته مورد توجه قرار گرفت (عیوضیان، ۲۰۰۸). این در حالی است که هرم سنی جمعیت در ایران به آرامی از شکل جوان به میانه سالی نزدیک شده و این روند همچنان ادامه دارد (احمد، ۲۰۰۷). از سوی دیگر، به تجربه ثابت شده است که منبع مهم اشتغال جدید، کارآفرینی و بنگاه های اقتصادی کوچک و متوسط در بخش خصوصی خواهند بود.

با توجه به ادبیات موجود کارآفرینی در کشورهای در حال توسعه، سه گروه کارآفرین وجود دارد. تصادفی، اجباری و خلق شده. این گروه ها برپایه ی این که چه گونه کسب و کار آن ها آغاز شده است یا دلایل و انگیزه اصلی آنها از راه اندازی کسب و کارشان چه بوده است، متفاوت هستند (تامبونن، ۲۰۰۹). از سوی دیگر، افزایش روزافزون جمعیت، نیاز جامعه را به مواد غذایی افزایش داده و مشکل دیگری را افزون بر بی کاری بر مشکل های جامعه افزوده است. ایجاد بنگاه های یاد شده در بخش کشاورزی می تواند بخش مهمی از سیاست های اشتغال زایی را به خود اختصاص داده و پاسخ گوی مشکل بی کاری در کشور ایران باشد (سام آرام، ۲۰۰۹). با وجود همه ی تلاش های صورت گرفته در زمینه ی حل بحران بیکاری دانش آموختگان کشاورزی مسله همچنان به قوت خود باقی است. این پژوهش اهمیت وجود شایستگی های کارآفرینانه در گرایش به ایجاد کسب و کار زود بازده را که مفهوم کمتر مورد توجه در پژوهش ها به ویژه در ایران قرار گرفته را بررسی می کند و ایجاد کسب و کار زود بازده (SEM) و توسعه فرصت های که این نوع از کسب و کار متمرکز خواهد کرد. چراکه اقتصاد کشورهای توسعه یافته بر محور کسب و کارهای کوچک و متوسط استوار است. کارآفرینان این بنگاه ها را تاسیس می کنند که معمولاً وجوه مورد نیاز برای توسعه طرح و دیدگاه خود را در اختیار ندارند (زیودار و همکاران، ۱۳۹۰). در ارتباط با بنگاه های کوچک و متوسط، هیچ تعریف جهان شمولی وجود ندارد که به گستردگی مورد تایید قرار گرفته باشد (خاجیان، ۲۰۱۰). با توجه به اهمیت بنگاه های کوچک و

باورست که اگر افراد گرایش ناکافی کارآفرینی داشته باشند به یقین کارآفرین نخواهند شد. از دید دال بورگ (۲۰۱۵)، گرایش به کارآفرینی یکی از دو پایه ی بنیادین کارآفرینی است؛ بنابراین، با توجه به اهمیت آن در بروز رفتار کارآفرینی، به یقین شناسایی عامل های مؤثر بر آن نیز اهمیت زیادی خواهد داشت. بررسی های گوناگون گویای آن است که عامل های بسیاری بر بهبود گرایش به کارآفرینی افراد مؤثر هستند که بخش شایان توجهی از آن ها مسایل روان شناختی و شایستگی های کارآفرینانه می باشند.

براین پایه، این پژوهش سعی بر آن دارد تا تأثیر شایستگی های کارآفرینانه را بر گرایش به راه اندازی بنگاه های کوچک و متوسط در بین دانشجویان کشاورزی، که در آینده با بی کاری بیشتری نسبت به دیگر رشته های دانشگاهی روبه رو هستند، را موردسنجش قرار دهد. درباره ی مفهوم شایستگی های کارآفرینانه، این نوع شایستگی ها به سطح خبرگی و توانایی به دست آمده با آموزش، تجربه کاری و اجتماعی مرتبط با یک حرفه و موقعیت کاری خاص گفته می شود (محمدی الیاسی و همکاران، ۱۳۹۱). گریس (۲۰۱۳)، شایستگی های کارآفرینانه را شامل شایستگی های فنی، مهارت کار با فناوری های مرتبط و مهارت های ارتباطی و رابطه میان فردی در نظر گرفته است. رادمن (۲۰۰۸)، شایستگی های کارآفرینانه را در پنج دسته شامل شایستگی های شخصی، عمومی یا پایه، مدیریتی، راهبردی و فرصت بر شمرده است. شایستگی مجموعه ای از رفتارها، مهارت ها، دانش ها، نگرش ها و ویژگی های شخصیتی است که بیش ترین ارتباط را با عملکرد موفقیت آمیز دارند.

مؤسسه ی امپلویز، شایستگی را مجموعه ای از دانش، مهارت و توانایی ها در يك شغل خاص می داند که به شخص اجازه می دهد به موفقیت در انجام وظایف دست یابد (پرهیزگار، ۲۰۱۰). دیکسون و همکاران (۲۰۰۵) شایستگی های کارآفرینانه را در هشت خوشه شایستگی به شرح زیر شناسایی کردند: رهبری گروهی، مهارت های ارتباطی، قابلیت اعتماد، مهارت های سازمانی و برنامه ریزی، مهارت های پایه ای کسب و کار، مهارت های حل مسأله، ویژگی های شخصی و خلاقیت. شایستگی های کارآفرینانه به مجموعه ای از ویژگی های ضمنی، مانند دانش عمومی و تخصصی،

متوسط و نقش بی بدیل آنها در توسعه ی اقتصادی، بسیاری از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه ایجاد و حمایت از این بنگاه ها را یکی از اولویت های اساسی خود قرار داده اند (یونیدو، ۲۰۰۸).

با توجه به اهمیت بنگاه های کوچک و متوسط در رشد و توسعه ی اقتصادی، در کشور ایران نیز توسعه بنگاه های کوچک و متوسط در طول یک دهه گذشته مد نظر قرار گرفت و تلاش و برنامه های مختلفی برای گسترش این بنگاه ها به اجرا در آمد. هر چند با وجود فعالیت های انجام شده، نتیجه ی بررسی ها گویای آن است که راه اندازی و توسعه آن ها در همه ی بخش ها به ویژه کشاورزی با مسایل و بازدارنده های چندی رو به رو شده و این بنگاه ها در دستیابی به هدف های از پیش تعیین شده خود به شکل بسیار ضعیفی عمل کرده اند (هاردینگ، ۲۰۰۴). بسیاری از صاحب نظران بر این باورند که توسعه ی کارآفرینی در زمینه ی کشاورزی و منابع طبیعی، راهکاری اثربخش برای حل این چالش بیکاری است (شیری و همکاران، ۲۰۱۲؛ واگوی، ۲۰۱۴). یچیدگی های حاکم بر نظام کارآفرینی، ضرورت پیدایش کارآفرینانی با قابلیت ها و شایستگی هایی ویژه را ایجاب می کند که مهم ترین آن ها شایستگی های کارآفرینانه است. یکی از جنبه های مهم کارآفرینی که در بررسی بنگاه های کوچک کمتر به آن پرداخته شده است میزان گرایش افراد به کارآفرینی است.

وایت (۲۰۰۶)، بر این باور است که گرایش به کارآفرینی را باید به وجود انگیزه ای در افراد برای بروز رفتار کارآفرینی مانند بوجود آوردن و شناخت فرصت ها و استفاده از روش های نوین تعریف کرد. میت چل مور (۲۰۰۳)، بیان می دارند که گرایش به کارآفرینی اشاره به گرایش یک فرد یا سازمان برای پذیرفتن و استفاده از فرصت های جدید و همچنین مسئولیت پذیری برای ایجاد تغییری خلاقانه دارد (ایس و اودریچ، ۲۰۱۰). در زمینه ی ضرورت توجه به گرایش به کارآفرینی باید گفت که گرایش به کارآفرینی از آن جهت اهمیت دارد که پیش بینی کننده و عاملی مؤثر بر رفتار کارآفرینی است (گریس، ۲۰۱۳). فایولی (۲۰۱۴)، در اهمیت گرایش به کارآفرینی بیان می دارد که جمع گرایش و فرصت برای کارآفرینی کفایت می کند.

افراد هنگامی کارآفرین خواهند شد که به آن گرایش داشته و فرصت انجام آن را نیز داشته باشند. فایولی بر این

کارلسون (۲۰۱۳)، شایستگی های کارآفرینان را چنین بر می شمرد: خوش آیندی موفقیت، فشار برای چیره شدن بر مشکلات، سخت کوشی، پذیرش مسئولیت، خوش بینی و تعالی مداری.

لچنر (۲۰۱۲)، بیان می کنند که خود مدیریتی یکی از شایستگی های مهم و تأثیرگذار بر گرایش کارآفرینان می باشد. کارآفرینی که بر ویژگی خود مدیریتی تأکید دارد موفقیت های بسیاری کسب خواهد کرد. رای و وایت (۲۰۰۷)، به این نتیجه رسید که ویژگی هایی مانند ابتکار عمل، اقدام به هنگام درمورد فرصت ها، اعتماد به نفس و پشتکار، کارآفرینان با عملکرد عالی را از کارآفرینان عادی متمایز می کند. زامپتیکیس (۲۰۱۲)، خودآگاهی، خودمدیریتی، انگیزش، همدلی و مهارت های اجتماعی اثر مثبت بر ایجاد و حفظ کارآفرینی دارد. زاکاراپیس (۲۰۱۲)، باور دارند که خودمدیریتی، آگاهی اجتماعی و مدیریت روابط بر جنبه های شخصیتی مانند نیاز به موفقیت و کنترل درونی اثر معنی داری با موفقیت بنگاه ها و شرکت های زود بازده دارد.

لچ نر (۲۰۱۴)، بر این باورست که شایستگی های راهبردی و روان شناختی در گرایش کارآفرینانه تأثیر معناداری دارد. با نگاهی به پژوهش های صورت گرفته در زمینه ی شایستگی های کارآفرینانه می توان گفت، با وجود اینکه هر یک از این بررسی ها موضوع را از جنبه های متفاوتی ارزیابی کرده اند، ولی به تأثیر این شایستگی ها بر گرایش کارآفرینانه دانشجویان در راه اندازی بنگاه های کوچک و متوسط نپرداخته اند. تحقیقات بسیار معدودی در زمینه بررسی میزان شایستگی ها و روابط آنها با متغیر های دیگر از جمله گرایش کارآفرینانه دانشجویان در راه اندازی بنگاه های کوچک و متوسط صورت نگرفته است. با توجه به مبنای نظری این پژوهش به دنبال، نقش شایستگی های کارآفرینانه در پیش بینی گرایش راه اندازی کسب و کارهای کوچک در بین دانشجویان ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه بو علی سینا می باشد.

روش شناسی

این پژوهش، از نظر ماهیت از نوع پژوهش های کمی و علی-ارتباطی از نظر میزان کنترل متغیرها از نوع شبه

انگیزه ها، خصیصه ها، خویشتن پنداری ها، نقش های اجتماعی، مهارت ها، نگرش ها، ارزش ها، باورها، توانایی ها، شخصیت، خرد، تخصص، طرز فکر و گرایش های رفتاری گفته می شود که در نتیجه آغاز به کار، ابقا، و یارشد يك فعالیت مخاطره آمیز بروز کرده است (اسمیت، ۲۰۱۰). این توانایی ها را به کارآفرین می دهد تا از دیدگاهی در ذهن به خلق ارزش دست یابد و در مدیریت کردن يك فعالیت مخاطره آمیز، عملکرد سطح بالا و سود بیشینه ای ارایه کند (این یانگ، ۲۰۰۹). به باور برد (۲۰۰۲)، سه لایه اصلی شایستگی های کارآفرینانه عبارت اند از: انگیزه ها و خصیصه ها نقش های اجتماعی و خویشتن پنداری، رفتارها، دانش، و مهارت ها (شیری، ۲۰۱۲)، مان و همکارانش (۲۰۰۶)، در تلاش برای طبقه بندی همه ی شایستگی های شناسایی شده در قالب فعالیت ها و رفتارهایی مرتبط در بستر بنگاه ها، به بررسی یافته های تجربی پیشین در زمینه شایستگی های کارآفرینانه پرداختند.

آن ها نتیجه مطالعات خود را در شش حوزه شایستگی : تعهدی، راهبردی، سازمان دهی، ذهنی ارتباطی و فرصت جویانه گروه بندی کردند. پژوهش های اندکی درباره ی رابطه ی شایستگی کارآفرینی و گرایش کارآفرینی در راه اندازی بنگاه های متوسط و کوچک در قالب یک نظریه معتبر انجام شده است. پژوهش های اوکونر (۲۰۱۳) و یوردانووا (۲۰۱۰)، نشان دادند که زنان در مقابل مردان گرایش های کمتری در زمینه ی راه اندازی يك کسب و کار دارند، در مقابل کائوتتن و همکاران (۲۰۱۰)، مشخص می کند که جنس عامل پیش بینی کننده گرایش های رفتاری کارآفرینانه به شمار نیامده و بین دانشجویان پسر و دختر از نظر گرایش به راه اندازی کسب و کار اختلافی مشاهده نمی شود.

احمد (۲۰۰۷)، در پژوهش خود نشان داد که شایستگی های کارآفرینانه مورد نیاز برای موفقیت بنگاه های کوچک شامل ۱۲ خوشه اصلی شایستگی شامل: راهبردی، تعهدی، ادراکی، فرصت محور، سازمان دهی و رهبری، ارتباطی، یادگیری، شخصی، فنی، اخلاقی، مسئولیت اجتماعی و حمایت و همکاری. اسمیت (۲۰۱۳)، شایستگی مورد نیاز يك کارآفرین در بنگاه های زود بازده را در قالب چارچوبی ارایه داد. که شامل رفتاری، ارتباطی و روابط خارجی می باشد.

یافته‌ها

دانشجویان ترویج و توسعه روستایی دانشگاه بوعلی سینا بر حسب جنسیت می باشد. همان طور که در جدول ملاحظه می شود حدود ۷۰ درصد از پاسخ دهندگان دختر و حدود ۳۰ درصد نیز پسر بوده اند. جدول ۲ معرف میزان تحصیلات دانشجویان ترویج و توسعه روستایی دانشگاه بوعلی سینا می باشد. همان طور که در جدول ملاحظه می شود در بررسی سطح تحصیلات پاسخ دهندگان ۵۴ درصد دارای تحصیلات کارشناسی، ۳۱ درصد دارای تحصیلات کارشناسی ارشد، ۱۵ درصد دارای تحصیلات دکتری می باشند.

جدول ۱- تاثیر جنس بر شایستگی های کارافرینی دانشجویان کشاورزی دانشگاه بوعلی سینا

متغیر	میانگین رتبه ای گروه ها		U	P
	دختر	پسر		
شایستگی تعهدی	۶۳/۸۷	۶۹/۴۶	۲/۷۶۵	۰/۰۹۱ ^{ns}
شایستگی راهبردی	۶۳/۵۸	۶۱/۲۵	۰/۱۲۳	۰/۱۰۷ ^{ns}
شایستگی سازمان دهی	۶۲/۶۷	۶۱/۲۵	۰/۵۱۲	۰/۰۸۷ ^{ns}
شایستگی فرصت جویانه	۶۸/۹۷	۶۲/۲۵	۳/۳۰۹	۰/۰۰۳
شایستگی ارتباطی	۶۷/۹۷	۶۰/۲۵	۳/۴۱۲	۰/۰۰۱۳
شایستگی ذهنی	۶۲/۶۴	۶۹/۶۵	۲/۸۰۱	۰/۰۱۵

نتایج آزمون من ویت نی برای بررسی تاثیر جنس بر شایستگی های کارافرینی نشان داد، که تفاوت معناداری بین دختران و پسران دانشجو در شایستگی های فرصت جویانه، شایستگی های ارتباطی و شایستگی های ذهنی وجود دارد (جدول ۱). در بین دختران دانشجو مولفه هایی چون شایستگی های فرصت جویانه و شایستگی های ارتباطی بیشتر می باشد. در مقابل مولفه های شایستگی های ذهنی در بین پسران دانشجو بیشتر است، و شایستگی های سازمان دهی، شایستگی های راهبردی و شایستگی های تعهدی در بین دو گروه تفاوت معناداری ندارند. آزمون کروسکال والیس برای بررسی تاثیر سطح تحصیلات بر شایستگی های کارافرینی نشان داد، که تفاوت معناداری در بین شایستگی های هم چون شایستگی های ذهنی، ارتباطی و سازمان دهی

آزمایشی و از نظر هدف در زمره تحقیقات کاربردی و از جهت روش گردآوری داده ها از نوع میدانی بوده است. جامعه ی آماری پژوهش شامل ۳۲۵ تن دانشجویان سال چهارم کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه بوعلی سینا بود، برای نمونه گیری از فرمول صحیح جامعه محدود و با در نظر گرفتن دقت احتمالی مطلوب $d=0/5$ استفاده شد. در این فرمول p معادل درجه اشاعه و گستردگی مورد نظر است که در این تحقیق معادل $0/2$ و آماره Z معادل $1/96$ در نظر گرفته شد.

$$n = \frac{NZ^2p(1-p)}{d^2(N-1) + Z^2p(1-p)}$$

بر این پایه ۱۶۴ پرسشنامه به روش سهمیه ای در بین دانشجویان کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری توزیع شد به منظور اندازه گیری گرایش دانشجویان به راه اندازی کسب و کارهای کوچک و متوسط از مقیاس گرایش کارافرینی هاگس و مورگان (۲۰۰۸)، و برای سنجش گرایش دانشجویان به راه اندازی کسب و کار لینان و همکاران (۲۰۱۰)، بهره گرفته شد. برای اندازه گیری شایستگی های کارافرینانه از مقیاس مان (۲۰۰۲)، بهره گرفت شد. نمره و گرایش های کارافرینانه بر پایه میانگین آن در نمونه به دو سطح باگرایش بالا و گرایش پایین جدا شد. به منظور بررسی از روایی شکلی و محتوایی پرسشنامه، از اعضای هیئت علمی دانشگاه بوعلی سینا استفاده شد که پس از مطالعه ی دقیق گویه ها، نظرهای اصلاحی مطرح و اصلاح های ضروری انجام شد. به منظور برآورد پایایی پرسشنامه از تحقیق پیش آهنگ استفاده شد.

برای این منظور، ۳۰ نسخه از پرسشنامه توسط بخشی بیرونی از جامعه آماری تحقیق تکمیل شد و پس از داده پردازی، با وسیله نرم افزار R ضریب آلفای ترتیبی برای گویه های پرسشنامه ($\alpha=0/88$) محاسبه شد. پردازش داده های ۱۶۴ پرسشنامه پس از طی فرآیند ورود داده ها، با محاسبات آماری از جمله مقایسه میانگین با آزمون من ویت نی و روش رگرسیون لجستیک دو جمله ای برای بررسی نقش شایستگی های کارافرینی در پیش بینی دو سطح داشتن گرایش به راه اندازی کسب و کار و نداشتن گرایش با استفاده از نرم افزار SPSS انجام شد.

در بین دانشجویان در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری وجود دارد. در این بین شایستگی های ارتباطی، ذهنی و راهبردی در بین دانشجویان دکتری بیشتر است. و

در بین دانشجویان کارشناسی شایستگی سازماندهی بیشتر می باشد و از نظر دیگر شایستگی ها هم چون شایستگی های تعهدی و فرصت جویانه تفاوت معناداری وجود ندارد.

جدول ۲- تاثیر سطح تحصیلات بر شایستگی های کارآفرینی دانشجویان کشاورزی دانشگاه بوعلی سینا

میانگین رتبه ای گروه های مورد مقایسه					
شایستگی ها	کارشناسی	کارشناسی ارشد	دکتری	X ²	Sig
شایستگی تعهدی	۸۱/۸۴	۹۱/۳۹	۹۲/۱۸	۱/۱۰۲	۰/۰۷۸
شایستگی راهبردی	۸۸/۹۱	۹۱/۸۵	۹۸/۰۳	۳/۶۶۵	۰/۰۰۱**
شایستگی سازمان دهی	۹۱/۸۰	۹۷/۸۶	۸۹/۵۰	۴/۶۰۳	۰/۰۲۳*
شایستگی فرصت جویانه	۸۷/۷۹	۸۸/۵۱	۸۵/۸۲	۰/۹۸۱	۰/۲۰۰
شایستگی ارتباطی	۸۴/۴۹	۸۹/۵۵	۹۶/۹۴	۴/۸۳۶	۰/۰۲۳*
شایستگی ذهنی	۸۱/۸۹	۹۱/۲۲	۹۸/۰۹	۵/۱۳۲	۰/۰۰۲*

* و ** معنی داری در سطح ۹۵ و ۹۹ درصد

مقدار محاسبه شده کای اسکویئر ($X^2=34/61, P=1\%, df=5$) این فرضیه را بررسی کرد که آیا همه ضریب های مدل لجیت صفر می شوند یا خیر، دومین سنجه ی مطلق آزمون نسبت درست نمایی است ($Log=206/61$). آزمون هوسمر و لمشو نیز بررسی می کند که آیا احتمال های پیش بینی شده با احتمال های مشاهده شده همخوانی دارند یا خیر، برای تابع به دست آمده برابر بود که دارای درجه آزادی ۵ و سطح معنی داری ۰,۱۵۸ است فرض صفر آن مبنی بر پیش بینی احتمال های واقعی پذیرفته می شود. لذا می توان نتیجه گرفت که بین مقدار مشاهده شده با پیش بینی شده بر پایه این تابع هماهنگی لازم برقرار است و نتیجه شایان تفسیر است.

با توجه به مقدار شبه R^2 ناگل کرک برابر ۰,۲۶۱ و کاکس و اسنل برابر ۰,۱۵۴ به دست آمده تابع استخراج شده می تواند ۲۶ درصد از بخت تغییر گرایش به کسب و کار را با یک مدل لجستیک و برپایه سطح ها شایستگی های کارآفرینی تبیین کند. این مقدارها پایه ای برای مقایسه با دیگر مدل هایی است که در موقعیت های پژوهشی آرایه می شوند. برپایه نتایج، تابع لجیت برآورد شده دارای نرخ موفقیت پیش بینی کلی برابر ۷۳,۰۳ درصد و درستی تفکیک تا ۷۶/۶ درصد است که در آن p بخت برتری گرایش به راه اندازی کسب و کار می باشد (جدول ۴).

جدول ۳- توزیع دانشجویان برپایه ی گرایش به راه اندازی کسب و کارهای کوچک و متوسط (SMEs)

سطح	دامنه میانگین	فراوانی	درصد
سطح عالی	بالتر از ۴/۱۳	۲۴	۱۴/۶
سطح خوب	۴/۱۳ تا ۳/۵۸	۳۳	۲۰/۲
سطح متوسط	۳/۵۸ تا ۳/۱۴	۶۸	۴۱/۴
سطح ضعیف	کمتر از ۳/۱۴	۳۹	۲۳/۷

بررسی سطح گرایش به راه اندازی کسب و کارهای کوچک و متوسط گویای آن است که ۳۹ درصد از دانشجویان دارای گرایش در حد ضعیف و ۴۳ درصد گرایش متوسط در راه اندازی بنگاه های کوچک و متوسط هستند و تنها ۱۷ درصد از آنان دارای گرایش بالا می باشند (جدول ۳). به منظور پیش بینی گرایش به رفتار راه اندازی کسب و کار کوچک و زود بازده با استفاده از ابعاد شایستگی های کارآفرینانه و با توجه به گسسته بودن دو سطح آن یعنی باگرایش و بدون گرایش از تابع لجیت دووجهی استفاده شد.

از آنجا که در مدل لجیت در آغاز برای ارزیابی تابع باید سنجه ی مطلق و نسبی برای بررسی برازندگی مدل بررسی شوند و آزمون کلی ضریب های مدل سنجهای مطلق برای بررسی روایی مدل است، در این تحقیق این آزمون بر پایه

جدول ۴- خلاصه رگرسیون لجستیک گرایش به راه اندازی بنگاه های کوچک و متوسط به همراه آماره والد

حدود اطمینان ۰.۹۵ برای (B) Exp.		Sig	Wald	S.E.	B	شایستگی ها	
کران بالا	کران پایین						
۰.۱۵/۱	۹۰.۹/۰	۰.۵/۱	۲۴۴/۰	۰.۸۷۱/۰	۰.۵۶/۰	X ₁ شایستگی تعهدی	
۳۲۱/۱	۸۷۴/۰	۷۶/۵	*۰.۰۹/۰	۹۱۰/۵	۰.۵۳/۰	۰.۷۶/۲	X ₂ شایستگی راهبردی
۱۰.۹/۱	۹۱۲/۰	۱۵/۱	۱۰.۹/۰	۸۲/۵	۰.۴۱/۰	۳۳۰/۰	X ₃ شایستگی سازمان-دهی
۹۸۸/۰	۹۷۳/۰	۳۹/۲	*۰.۱۸/۰	۰.۵۴/۰	۰.۷۸/۰	۳۲۷/۱	X ₄ شایستگی فرصت-جویانه
۱۱۹/۱	۹۴۸/۰	۸۲/۱	**۰.۰۱/۰	۸۶/۳	۰.۸۵/۰	۳۴۰/۰	X ₅ شایستگی ارتباطی
۲۰.۹/۱	۱۰.۶/۱	۰.۸/۱	۲۱۷/۰	۳۸/۱	۰.۶۳/۰	۴۳۰/۰	X ₆ شایستگی ذهنی
-----	-----	۰.۰۳/۰	۰.۰۱/۰	۷۹/۱۱	۵۹/۱	۵۱/۵-	مقدار ثابت تابع لجیت

** معنی دار در سطح یک درصد خطا و * در سطح پنج درصد خطا

میانگین شایستگی های فرصت جویانه کارآفرینانه آنان در سطح خوب است نسبت به دانشجویانی شانس اینکه گرایش به راه اندازی کسب و کار را به صورت مثبتی تجربه کنند تا مقدار ۲/۳۹ برابر افزایش خواهد یافت. در مورد شایستگی های سازمان دهی ضریب بتا برابر ۰/۳۳۰ است لیکن مقدار آماره والد برای آن معنی دار نبوده و ضریب آن شایان توجه نیست. به منظور بررسی کارایی تابع لجستیک از تحلیل حساسیت استفاده شد.

بحث و نتیجه گیری

با توجه به اهمیت شناخت میزان گرایش به کارآفرینی و راه اندازی بنگاه های کوچک و متوسط دانشجویان رشته های کشاورزی و منابع طبیعی و همچنین شناخت شایستگی های مؤثر بر آن، این پژوهش با هدف بررسی تأثیر شایستگی ها بر راه اندازی بنگاه های کوچک و متوسط انجام شد. دستاوردها گویای آن هستند که تفاوت معناداری بین دختران و پسران دانشجو در شایستگی های فرصت جویانه، شایستگی های ارتباطی و شایستگی های ذهنی وجود دارد. در بین دختران دانشجو مولفه هایی چون شایستگی های فرصت جویانه و شایستگی های ارتباطی بیشتر است. در مقابل مولفه های شایستگی های ذهنی در بین پسران دانشجو بیشتر است و شایستگی های سازمان دهی، شایستگی های راهبردی و شایستگی های تعهدی در بین دو گروه تفاوت معناداری ندارند. دست آوردهای پژوهش بیانگر آنند که ۳۹ درصد از دانشجویان در راه اندازی بنگاه های کوچک و متوسط دارای گرایش در حد ضعیف و ۴۳ درصد گرایش متوسط می باشند و

این مقادیر مبنایی برای مقایسه با دیگر مدل هایی است که در دیگر موقعیت های پژوهشی ارائه می شود. این نتایج به دست آمده، تابع لجیت برآورد شده دارای نرخ موفقیت پیش بینی کلی و درستی تفکیک تا ۷۷ درصد است. بر پایه جدول ۴، می توان تابع لجیت را به شرح رابطه (۲) بیان کرد.

$$\ln(p/(1-p)) = -5/51 + 2/086X_2 + 1/327X_3 - 4 + 0/340X_5 + 0/430X_6$$

که در آن P بخت برتری گرایش به راه اندازی بنگاه های کوچک و متوسط، X₂ شایستگی های راهبردی، X₃ شایستگی های فرصت جویانه، X₅ شایستگی های ارتباطی است از آنجاکه مقدار بتا در تابع لجیت به تنهایی تفسیر نمی شود، از Exp. B برای تفسیر ضریب ها استفاده می شود نتیجه نشان داد، که مهم ترین متغیر اثرگذار گرایش به راه اندازی بنگاه های کوچک و متوسط، شایستگی های راهبردی است، که مقدار ضریب B برابر ۲/۷۶ و مقدار Exp. B = ۵۰.۷۶ است. که مقدار بسیار شایان توجهی است و نشان دهنده آن است، دانشجویانی که میانگین شایستگی های راهبردی آنان در سطح بالایی است شانس اینکه گرایش به راه اندازی کسب و کار را به صورت مثبتی تجربه کنند تا مقدار ۵/۷۶ برابر افزایش خواهد یافت. شایستگی های فرصت جویانه کارآفرینانه نیز دارای ضریب ۱/۳۲۷ می باشد و آماره والد برای آن در سطح پنج درصد معنی دار بود. لذا مقدار نسبت برتری آن قابل تفسیر است Exp. B = ۲.۳۹ که این هم مقدار بسیار شایان توجهی است و نشان دهند آن است که دانشجویانی که

مشخص می شود نقش شایستگی های کارآفرینانه در تبیین گرایش های کارآفرینانه به صورت تکاملی شکل می گیرد و دانشجویانی که سطوح بالای از شایستگی های کارآفرینانه را نشان می دهند، گرایش های کارآفرینانه خواهند داشت. نتایج تحقیقات لچنر (۲۰۱۴)، لاکی و مینایی (۲۰۱۲)، لینان و همکاران (۲۰۱۲)، نیز در تبیین نقش شایستگی های راهبردی و ارتباطی در افزایش گرایش کارآفرینانه همسو با نتایج پژوهش می باشند.

این تحقیق نشان داد که، مهم ترین متغیر اثرگذار گرایش به راه اندازی بنگاه های کوچک و متوسط شایستگی های راهبردی است، که مقدار ضریب B آن ۲/۷۶ و مقدار $Exp. B = ۷۶/۵$ است. که مقدار بسیار قابل توجهی است و نشان می دهد دانشجویانی که میانگین شایستگی های راهبردی آنان در سطح بالای ست شانس اینکه گرایش به راه اندازی کسب و کار را به صورت مثبتی تجربه کنند تا مقدار ۵،۷۶ برابر افزایش خواهد یافت. شایستگی های فرصت جویانه کارآفرینانه نیز دارای ضریب ۱،۳۲۷ بوده و آماره والد برای آن در سطح پنج درصد معنی دار بود. لذا مقدار نسبت برتری آن شایان تفسیر است ($Exp = ۲/۳۹$) که این هم مقدار بسیار قابل توجهی است و نشان می دهد دانشجویانی که میانگین شایستگی های فرصت جویانه کارآفرینانه آنان در سطح خوب است نسبت به دانشجویانی که شانس گرایش به راه اندازی کسب و کار را به صورت مثبتی تجربه کنند تا مقدار ۲،۳۹ برابر افزایش خواهد یافت.

بنا بر نتایج به دست آمده، برای بهبود گرایش به کارآفرینی دانشجویان کشاورزی می بایستی در هدف ها، روش ها و رویکردهای و استراتژیهای نظام آموزش عالی کشاورزی بازنگری لازم در جهت افزایش اثربخشی و منطبق بودن آموزش ها با نیاز بازار صورت پذیرد.

به دلیل ضعف دانشجویان در زمینه شایستگی های راهبردی و سازماندهی و رهبری پیشنهاد می شود کارگاه ها و دوره های آموزشی به منظور تقویت این شایستگی ها برگزار شوند. پس از گذراندن این دوره ها کارآفرینان باید بتوانند منابع انسانی، فیزیکی، مالی و فنی خود را سازماندهی و کارکنان شان را به خوبی هدایت کنند. کارآفرینان می بایست بتوانند راهبردهایی را تدوین کنند که فرصت های تشخیص داده شده را به نتایج سودمندی تبدیل می کند.

تنها ۱۷ درصد از دانشجویان دارای گرایش بالایی باشند، یافته های این پژوهش با نتیجه ی دیگر پژوهش ها از جمله بارانی و همکاران (۱۳۹۱)، و بکسجلنر و همکاران (۲۰۱۳) که نشان می دهد حدود ۳۶ درصد از دانشجویان هرگز به اینکه فردی کارآفرین شوند فکر نکرده اند؛ همخوانی داشته ولی با پژوهش سولس و یک (۲۰۱۲) همخوانی ندارد. کارآفرین باید بتواند منابع انسانی، فیزیکی، مالی و فنی، خارجی و داخلی را به خوبی سازماندهی کند. همچنین، رهبری و انگیزش کارکنان نیز از جمله وظایف دیگر کارآفرین است.

او باید بتواند ضمن رهبری و نظارت بر کارکنان، انگیزه لازم را در جهت همکاری بین دانشجویان به عنوان یک گروه هماهنگ ایجاد کند. بنابراین، مهم است که کارآفرین برای موفقیت در کسب و کارش شایستگی سازماندهی و رهبری خوبی داشته باشد. آزمون کروسکال والیس انجام شده برای بررسی تاثیر سطح تحصیلات بر شایستگی ها گویای آن است که تفاوت معناداری بین سطح تحصیلات در راهبردی، سازماندهی، ارتباطی و ذهنی وجود دارد. در بین دانشجویان دکتری مولفه هایی چون شایستگی های راهبردی، ارتباطی و ذهنی بیشتر است. در مقابل شایستگی های سازمان دهی در بین دانشجویان کارشناسی ارشد بیشتر است و جنبه ی شایستگی های تعهدی و شایستگی های فرصت جویانه در بین گروه های تحصیلی تفاوت معناداری وجود ندارند.

نتایج تحلیل رگرسیون لجستیک گویای آن است که شایستگی های راهبردی و فرصت جویانه و ارتباطی در مجموع می توانند ۲۶ درصد از قدرت تغییر گرایش به راه اندازی بنگاه های کوچک و متوسط را با یک مدل لجستیک و بر پایه سطح ها شایستگی های کارآفرینی تبیین کند. اگر چه شایستگی های کارآفرینانه می توانند سبب شکل گیری گرایش های کارآفرینانه شوند، لیکن تنها دانشجویانی که سطوح بالای شایستگی های کارآفرینانه را تجربه می کنند می توانند انتظار راه اندازی یک کسب و کار را داشته باشند و داشتن شایستگی های کارآفرینانه به تنهایی کافی نیست. بلکه، سطح آن تعیین کننده است، همان گونه که در این تحقیق مشخص شد دانشجویانی که سطوح بالای شایستگی های کارآفرینانه را تجربه می کنند در مقایسه با دیگران از بخت پنج برابری در داشتن گرایش به راه اندازی بنگاه های کوچک و متوسط بهره مند خواهند شد. بر این پایه

نقش شایستگی های راهبردی، فرصت جویانه و ارتباطی در گرایش کارآفرینانه تاثیر بسزایی دارند به همین دلیل پیشنهاد می شود کارگاه ها و دوره های آموزشی به منظور تقویت این شایستگی ها راهبردی، فرصت جویانه و ارتباطی برگزار شوند. پس از گذراندن این دوره ها دانشجویان باید بتوانند منبع های انسانی، فیزیکی، مالی و فنی خود را سازماندهی و کارکنان شان را به خوبی هدایت کنند. کارآفرینان می بایست بتوانند راهبردهایی را تدوین کنند که فرصت های تشخیص داده شده را به نتیجه های سودمندی تبدیل می کند.

منبع ها

اکبری، م. شکیبا، ح و زهتابی، م (۱۳۹۱). رابطه ی باورهای مذهبی و تمایل به کارآفرینی: مطالعه ی موردی: دانشجویان دانشکده های کارآفرینی و کشاورزی ورودی ۸۷، فصلنامه توسعه کارآفرینی، شماره ۱۸، ص ص ۱۰۵ بارانی، ش. حسینی لرگانی، س. زرافشانی، ک و پور سعید، ع (۱۳۹۱). تحلیل تأثیر فضای کارآفرینی بر تمایل کارآفرینی دانشجویان کشاورزی دانشگاه آزاد اسلامی ایلام، پژوهش در نظام های آموزشی، سال ششم، شماره ۱۹، ص ص ۱۶۷-۱۹۸

محمدی الیاسی، م.، فراستخواه، م. و فرخ، ش. (۱۳۹۱). مهارت های استادان و مربیان کارآفرینی برای پرورش کارآفرینان نوپا در دانشگاه ها، فصل نامه توسعه کارآفرینی. ۱۵. ص ص ۲۰۱-۱۸۵

علی بیگی، ا، توکلی، ج، علی ابادی، و (۱۳۹۱)، زیرساخت های توسعه ی تعاونی های دانش آموختگان کشاورزی، فصلنامه پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی، ۵ (۲۳)، ۳۵-۲۱.

میرک زاده، ع، علی ابادی، ع (۱۳۹۱)، تحلیل بایسته های شغلی دانش آموختگان کشاورزی برای ورود به بازار کار در بخش کشاورزی، فصلنامه پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی، ۵ (۲۱)، ۳۹-۲۷.

Ahmad, M., P. Preckel and S. Ehui. (2007). Modelling the Impact of credit on Intensification in Mixed crop-livestock system: A case study from Ethiopia. International Association of Agricultural economists conference, Gold coast, Australia, August 12-18.

Allinson, C., Hayes, J., (2008), the cognitive style index: a measure of intuition analysis for organizational research. Journal of Managmt Studies 33. PP. 119-135.

Aivazian, V.A. and E. Santor. (2008). Financial Constraints and Investment: Assessing the Impact of a World Bank credit program on Small and Medium Enterprises in Sri Lanka. Canadian Journal of Economics, 41: 475-500.

Burger, L., O'Neill, C., Mahadea, D. (2005). The impact of previous knowledge and experience on the entrepreneurial attitudes of Grade 12 learners. South African Journal of Education, 25, 89.

Backes-Gellner, U., and Moog, P. (2013). The disposition to become an entrepreneur and the jack-of-all-trades in social and human capital. The Journal of Socio-Economics, 47(0), 55-72

Bird, B. (2002). Learning Entrepreneurship Competencies: The Self-Directed Learning Approach. International Journal of Entrepreneurship Education, 1(2), pp. 203-228.

Dahlstrand, A.L., (2007), Technology-based entrepreneurship and regional development: The case of Sweden. European Business Review, 19(5): 373-86.

Dixon RA, Xie DY, Sharma SB (2005). Proanthocyanidins: a final frontier in flavonoid research? New Phytol 165: 9-28.

Duarte, N., and Diniz, F., (2014), The role of firms and entrepreneurship on local development. *Romanian Journal of Regional Science*, 5(1): 54-69.

Hebert, R.F., and Link, A.N., (2011), *International Journal of Business and Social Science (Special Issue)*, 2(9): 241-242.

Hughes, M. and Morgan, R. E. (2008), "Deconstructing the relationship between entrepreneurial orientation and business performance at the embryonic stage of firm growth," *Industrial Marketing Management*, Vol. 36(5), 651-661.

Harding, R. (2004). *Global Entrepreneurship Monitor UK 2004*. London: GEM.87-91.

Khajeian, D., and Rad, S.S., 2010, The formulation of model navigator of urban management for the development of entrepreneurship. *Journal of Urban Management*, 2(3): 119-132.

Karlsson, T. and Moberg, K. (2013). Improving perceived entrepreneurial abilities through education: Exploratory testing of an entrepreneurial self-efficacy scale in a pre-post setting. *The International Journal of Management Education*, 11 (1): 1-11.

Karimi, S., Chizari, M., Biemans, H.J., and Mulder, M., (2012), Entrepreneurship education in Iranian higher education: The current state and challenges. *European Journal of Scientific Research*, 48(1): 35-50.

Karimi, S., JA Biemans, H., Lans, T., Chizari, M., and Mulder, M., (2014), Effects of role models and gender on students' entrepreneurial intentions. *European Journal of Training and Development*, 38(8): 694-727.

Kautonen, T. Luoto, S. and Tornikoski, E. T. (2010) Influence of work history on entrepreneurial intentions in 'prime age' and 'third age': A preliminary study. *International Small Business Journal*. 28(6): 583-601.

Krishnan, L. (2013). The Role of Competencies and Personality in Determining Success of Entrepreneurs in SMEs in Karnataka, India. *International Business Management*, 7(4): 258-266.

Lechner, Ch., Vidar, G. S. (2014). "Entrepreneurial orientation, firm strategy and small firm performance". *International Small Business Journal*, 32(1): 36-60.

Inyang, B.J. & Enuoh, R.O. (2009), Entrepreneurial Competencies: The Missing Links to Successful Entrepreneurship in Nigeria. *International Business Research*, 2(2), pp. 62-71.

Linan, F. Rodriguez-Cohard, J.C. & Rueda-Cantuche, J.M. (2010). Factors affecting entrepreneurial intention levels: A role for education. *International Entrepreneurship and Management Journal*, 7(2): 195-218.

Malek Mohammadi, I. and Sh. Shokry. (2009). Absorption and retention of graduates receiving loans agricultural employment in agriculture, horticulture and animal husbandry in agricultural labor market. *Journal of Agricultural Extension and Education*, 5(1). pp. 62-71.

Mitchelmore, S. & Rowley, J., (2010), Entrepreneurial Competencies: A Literature Review and Development Agenda. *International Journal of Entrepreneurial Behavior & Research*, 16(2), pp. 92-111

Nik Raftar, T., (2011), The effect of personal and social competencies on the entrepreneurial personality (Case Study: Tosee Saderat Bank staff). *Entrepreneurship Development*, 4(14): 125-143.

Patten, M. L. (2002). *Proposing empirical research*. Los Angeles: Publishing.

Paniagua, A., (2013), Farmers in remote rural areas: The worth of permanence in the place. *Land*

Use Policy, 35(0): 1-7.

Rhee, Kenneth S. White, Rebecca J., 2007, The Emotional Intelligence of Entrepreneurs. Journal of Small Business and Entrepreneurship. Vol.20 Issue: 4. pp. 62-71.

Oconnor, A. (2013). A conceptual framework for entrepreneurship education policy: Meeting government

and economic purposes. Journal of Business Venturing, 28 (1): 546-563.

Sam Aram, A., Gh. Latifi and A. Aghaee.(2009). Analsis the factors affecting employment in small-businesses in Iran. Journal of Business and Society, 106-107.

Zakarevicius, Povilas , zuperka Aurimas.,(2015), Expression Of Emotional Intelligence In Development Of Students' ntrepreneurship. Economicsand Management, Vol.15, PP.865-873.

Zampetakis, L. A., Kafetsios, K., Bouranta, N., Dewett, T., Moustakis, V.S.,2012, On the relationship between emotional intelligence and entrepreneurial attitudes and intentions. International Journal of Entrepreneurial Behaviour & Research, Vol. 15, No.6, PP. 595-618

UNIDO (2008). Small and medium sized enterprises. Technical Report, Available at <http://www.unido.org>.

Maya, I. & Anton, M. (2012). Barrier factors and potential solutions for Indonesian SMEs. Procedia Economics and Finance, 4, 3- 12.

Man, T.W.Y., Lau, T. .; and Chan, K.F. (2006). The Competitiveness of SMEs:A onceptualisation with Focus on Entrepreneurial Competencies.Journal of Business Venturing, 17(2):123-142.

Man, T.W.Y., Lau, T. & Chan, K.F.,(2002), The Competitiveness of Small and Medium Enterprise: A conceptualization with focus on entrepreneurial competencies, Journal of Business Venturing, Vol. 17, PP. 123-142.

Movahedi, R.; Akbari,R.; Yaghoubi-Farani,A. and Khodaverdian,M.J.(2010). Improving the status of the agricultural graduates employment(case of Bu-Ali Sina University). Journal of agricultural extension and education research, 3(4),85-98

Fayolle, A., Linan,F. and Moriano, J. A. (2014). Beyond entrepreneurial intentions: values and motivations in entrepreneurship. International Entrepreneurship and Management Journal: 10(1), 1-11.

Dalborg, C. and Wincent, J. (2015). The idea is not enough: The role of self-efficacy in mediating the relationship between pull entrepreneurship and founder passion. International Small Business Journal:33(8) 974-984.

Shiri, N., Mohammadi, D., and Hosseini, S. M. (2012). Entrepreneurial intention of agricultural students: effects of role model, social support, social norms, and perceived desirability. Archives of Applied Science Research, 4(2), 892-897.

Smith, Z.A., and Wolverton, M. (2012). Higher Education Leadership Competencies: Quantitatively Refining a Qualitative Model. Journal of Leadership and Organizational Studies, 17 (1): 61-70.

Grace, E. and Ihuoma, I. (2013). Relationship between counselling and entrepreneurship development skill of Nigerian final year undergraduates, Procedia- Social Behavioral Sciences, 84 (3), 120- 127.

Yordanova, D. and Tarrazon, M.-A. (2010), "Gender differences in entrepreneurial intentions: evidence from Bulgaria", Journal of Developmental Entrepreneurship, Vol. 15 No. 3, 245-261.

The Role of Entrepreneurial Competencies in Tendency towards SMEs Startup by the Students of Agricultural Extension and Education at Bu Ali Sina University, Iran

V. Aliabadi¹, S. Seymohammadi², S. Gholamrezai³

1- PhD Candidate of Agricultural Extension & Education, Faculty of Agriculture, Bu-Ail Sina University, Hamdan, Iran

2- Phd student agriculture development, Faculty of agriculture, Razi Universit, Iran

3- PHD Student of Agricultural development, Razi University, Kermanshah

Abstract

Considering the importance of SMEs in economic development many of developed and developing countries prioritize the establishment and supporting of them. For emerging entrepreneurial activities the related competencies are necessity. Purpose of this study is predicting variables affecting to students' tendency to SMEs startup with focusing the required Competencies. Statistical population the study consisted of 198 Agricultural extension and education student at Bu Ali Sina University. According to the Patton's table, a sample size of 164 was selected using a Quota sampling method. The questionnaires were used to collect the data. Questionnaire's reliability was confirmed by calculating Cronbach's alpha formula and its coefficient is ($\alpha=0.88$). Data were analyzed by ordinal regression equation with SPSS software. Using logistic regression, it was found that 26% of changes in the tendency to launch small and medium businesses are the most important influential variable on the tendency of students to set up small and medium enterprises, are strategic competencies. Results of U test (Mann Whitney test) showed that there are significant differences between girls and boys students in opportunity, communicative and mental competencies. Only 17 percent of high-end students are in the of attitude small businesses.

Index Terms: Entrepreneurial tendencies, competencies, SMEs

Corresponding Author: S. Gholamrezai

Email: sgholamrezai@gmail.com

Received: 22/11/2016 ; **Accepted:** 4/9/2017